



کوچکترین اتفاقات هم زیر ذره بین قرار می‌گیرد و اکنون وضعیت تیم امید دقیقا به همین شکل است و رفتارهای صورت گرفته نگرانی‌ها را افزایش می‌دهد.

تیم کشورمان آخرین بار در سال ۱۹۷۶ و در المپیک مونترال حاضر شد و اگر شرایط ایجاد شود پس از ۴۶ سال می‌توانیم در المپیک ۲۰۲۰ توکیو حاضر شویم اما همین مدت طولانی سبب شده همه اهالی فوتبال نگاهی دلواپسانه داشته باشند و با نگرانی اتفاقات تیم امید را رصد کنند.

فدراسیون فوتبال و حتی کمیته ملی المپیک باید به گونه‌ای رفتار کنند که این دلواپسی‌ها به حداقل برسد و شانس صعود تیم‌مان به المپیک افزایش یابد.

همان‌طور که همگان از حضور تیم ملی در جام جهانی و موفقیت‌های باشگاهی در سطح قاره کهن خوشحال می‌شوند، قطعا صعود تیم امید ایران به المپیک هم شور و شغف خاصی در میان اهالی فوتبال ایجاد خواهد کرد و سبب خوشحالی اهالی فوتبال و حتی ایجاد یک نسل تازه در فوتبال کشورمان خواهد بود به شرط آن که تدابیر لازم اندیشیده شده و شرایطی به وجود بیاید که شایسته‌ها در هر پست و جایگاهی انتخاب و بازیکنان ارزنده برگزیده شده و تیمی مناسب تدارک دیده شود.

مثل استیلی توقع می‌رود انتخاب‌های آگاهانه و فنی و دقیق داشته باشند، نه اینکه مجموعه‌ای برای دوستان بسازند.

تیم امید با این روش‌ها به آرزوی دیرینه‌اش نمی‌رسد، با این انتخاب‌ها تیمی متشکل از دوستان خواهد بود که برنامه‌ای برای موفقیت ندارد اما استیلی انگار توجهی به اهمیت تیم امید ندارد و انتخاب سایر پست‌ها در تیم امید را مثل انتخاب خودش به عنوان مدیر فنی آسان گرفته و سهل انگارانه به همه مسائل نگاه می‌کند.

البته اتفاقات عجیب و غریب در تیم امید ادامه دارد. در حالی که گفته می‌شود هنوز قراردادی با زلاتکو کرانچار، سرمربی این تیم، امضا نشده و دستیاران او رسماً انتخاب نشده‌اند و مسائل مبهم زیادی درباره مدیریت این تیم وجود دارد، نام ۴۱ بازیکن دعوت شده به این تیم منتشر شد!

مشخص نیست معیار انتخاب این ۴۱ بازیکن چه بود و نقش کرانچار در انتخاب آنها چقدر است. بسیاری از این بازیکنان از تیم‌های لیگ یکی و تیم‌های رده‌های سنی انتخاب شده‌اند و مشخص است کرانچار روی آنها شناختی ندارد و فرد دیگری خارج از چارچوب‌ها و شرح وظایفش این بازیکنان را به تیم امید دعوت کرده است.

وقتی به دست آوردن یک موفقیت طولانی مدت می‌شود و سواس‌ها هم افزایش می‌یابد و حساسیت‌ها هم زیاد می‌شود و به همین دلیل

را به دنبال آورد و چند ساعت بعد استیلی را وادار به استعفا کرد. فرهاد البته به استیلی پاسخ منفی داد تا زمینه همکاری این دو فراهم نشود و تیم امید هم لاف‌ها در این زمینه بلا تکلیف بماند.

رفتار فدراسیون فوتبال درباره تیم امید عجیب است. انگار فدراسیون این تیم را مثل یک پروژه (کنتراتی) تحویل حمید استیلی داده است. از سوی دیگر اما شائبه‌هایی وجود دارد. چه بسا فدراسیون هم مشتاق است با دور هم جمع کردن چهره‌های محبوب به مشروعیت خود کمک کند، به خصوص در روزهایی که چهره‌های پرطرفداری مثل علی کریمی انتقادات تندی را علیه فدراسیون فوتبال مطرح کرده‌اند. رضا شاهرودی و احمد رضا عابدزاده از چهره‌های ماندگار در فوتبال ایران هستند، به خصوص عابدزاده که نامی فراموش نشدنی در فوتبال ایران دارد و همه به پاس آن درخشش‌های ماندگار دوستش داریم اما آیا عابدزاده و شاهرودی بهترین انتخاب‌ها به عنوان مربیان تیم امید هستند؟ آیا زلاتکو کرانچار با شناخت و آگاهی دستیارانش را انتخاب کرده یا حمید استیلی ترکیبی از دوستان را می‌خواهد در تیم امید جمع کند؟

از استیلی بعید بود خود را وارد این بازی‌ها کند. درباره انتخابش به عنوان مدیر فنی تیم امید آن همه بحث مطرح شد و حالا استیلی با انتخاب‌هایش نشان می‌دهد انتقادات علیه او بیراه نبوده. از چهره‌هایی

